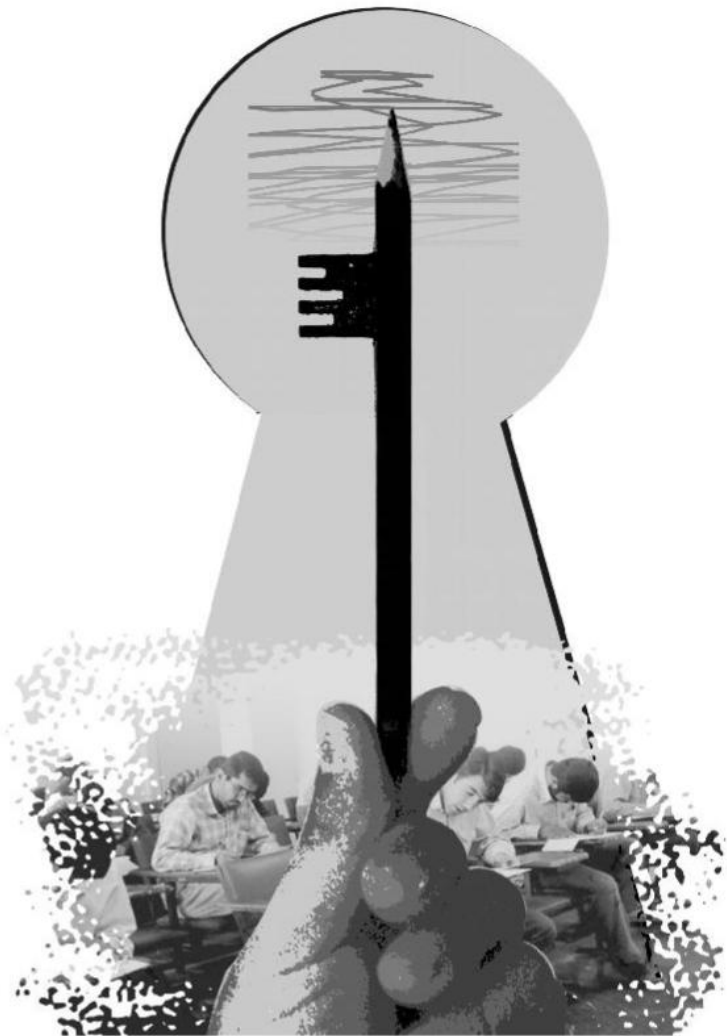


ابلاغ محورهای اصلی در چشم انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی و خطوط مینا در برنامه توسعه چهارم - که نخستین برنامه از بیست سال آینده به شمار می‌رود - از سوی مقام معظم رهبری، آغاز حرکتی نو، هدفمند و امیدوار کننده را توید داد؛ حرکتی که اگر حساب شده و هماهنگ انجام شود، گام‌های آغازین در خوشش مجدد ایران و اسلام خواهد بود.

بازگشت به تاریخ و مرور صفحاتی که به قرون چهارم و پنجم هجری اختصاص دارد، غرور مسلمان بودن و افتخار ایرانی بودن را در ما زنده می‌کند. در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، یعنی زمانی که ما توانستیم ارتباط منطقی میان دین و دانش ایجاد کنیم و زمان را آن گونه که شایسته است، درک نماییم، دوران طلایی جامعه اسلامی رقم خورد؛ به گونه‌ای که تا سال‌ها دنیا از دستاوردهای دانشمندان اسلامی آن عصر بهره برده و خواهد برد.

اما امروز در وضعیتی قرار داریم که از آن روزها فقط خاطرهای برایمان باقی مانده است و حسرتی که اگر منجر به اندیشه در علل و ریشه‌های این رکود و نیز تلاش برای بازگشت به خویش نگردد، ما را از پای در خواهد آورد. در عصری که به «عصر دانایی و توانایی» شهرت دارد، اگر نخواهیم و نتوانیم که در عرصه علوم، حرفی را برای گفتن داشته باشیم، حرکت به سمت آینده، سربایی بیش نخواهد بود. به ادعای «یونسکو»، توسعه علوم در قرن بیست و یکم زیربنای امنیت و اقتدار ملی کشورهاست. بر این اساس، تحقق چشم‌انداز بیست ساله معنا خواهد داشت، مگر آنکه بر مبنای فرازی از همین سند، توسعه علمی و نهضت نرم‌افزاری به صورت یک حرکت اساسی و جدی دنبال شود؛ به عبارت بهتر: توسعه علمی، شرط بقا تمامی توسعه‌هاست. کار آمدی نظام، منوط به توسعه علمی است و چنانچه این موضوع مغفول واقع شود، پیامد آن، ناکارآمدی و شاید بحران مشروعیت در نظام خواهد بود. بدون شک، هیچ یک از ما فراموش نکرده‌ایم که بنیانگذار جمهوری اسلامی - امام خمینی (ره) - تأکید کرد که فقط نظام از بالاترین واجبات است.

رسیدن به آرمان‌های انقلاب و آنچه به عنوان افق آینده نظام ترسیم شده است، میسر نخواهد شد مگر با استفاده به روز، صحیح و علمی از نیروی انسانی، ذخایر و منابع ملی. حضور نزدیک به ۲۰ میلیون جوان ۱۵ تا ۲۳ ساله در کشور، از جمله



فقط با توسعه علمی ایران ساخته می‌شود!

اشاره

ایران اسلامی در ۲۰ سال آینده چگونه باید ساخته و آباد شود؟ این سوال، موضوع بحث مجتبی سلطانی، نویسنده مطبوعات، محقق و تهیه کننده صدا و سیماست. وی با اشاراتی به اسناد و ارقام، بر این باور است که هیچ نهادی همچون دانشگاه و هیچ عضوی از اجتماع چون دانشجو نمی‌تواند در آبادانی ایران نقش آفرین باشد. نوشتار زیر به شکلی گزارش گونه به این موضوع پرداخته است.



● مجتبی سلطانی

رسیدن به آرمان‌های انقلاب و آنچه به عنوان افق آینده نظام ترسیم شده است، میسر نخواهد شد مگر با استفاده به روز، صحیح و علمی از نیروی انسانی، ذخایر و منابع ملی. حضور نزدیک به ۲۰ میلیون جوان ۱۵ تا ۲۳ ساله در کشور، از جمله توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی است که باید در این مسیر به فعلیت در آید.

تا جامعه دانشگاهی ما تکانی به خود ندهد، هرگونه سخن از پیشرفت، توسعه، تعالی و ترقی سخن به گراف و حرکت به بیراهه خواهد بود.

توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی است که باید در این مسیر به فعلیت در آید. در حالی که در زاین، منابع زیرزمینی تنها ۲ درصد ثروت ملی این کشور را تشکیل می‌دهد، منابع زیرزمینی ایران ۳۰ درصد کل منابع ملی ماست و این یک ثروت خدادادی است که در اختیار ماست و باید بتوانیم به بهترین شیوه از آن استفاده کنیم. در همین رابطه، در اختیار داشتن نیروی متخصص و دانش فنی، اساسی‌ترین لوازم بهره‌برداری بهینه از منابع موجود است. متأسفانه در حال حاضر، تنها ۴ درصد از نیروی انسانی بخش صنعت ما را افراد متخصص تشکیل می‌دهند و این رقم در بخش کشاورزی، کمتر از ۵/۰ درصد است. براساس آمار موجود، تا سال ۸۰ کل متخصصین ایران در بخش‌های خصوصی و دولتی، تنها ۹/۶ درصد است؛ در حالی که میانگین جهانی در استفاده از نیروی متخصص، بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است. این آمار، مربوط به زمانی است که یونسکو اعلام می‌کند: ایرانیان در بهره‌هوشی، مقام سوم دنیا را دارند. با کمال تأسف باید گفت: با وجود این جمعیت جوان و بهره‌هوشی بالا، جایگاه ایران به لحاظ علمی در دنیا جایگاه مناسبی نیست و این مشکل در سایر کشورهای جهان سوم نیز وجود دارد. جهان سوم در حالی که واجد ۸۰ درصد جمعیت دنیاست، فقط ۲۰ درصد درآمد جهانی را در اختیار دارد و در چنین حالتی، سهم آن از تولید علم در جهان، کمتر از یک درصد است. جهان اسلام ۲۰ درصد جمعیت دنیا را دارد و تنها نیم درصد از تولید علم از آن‌ها است. با این اوصاف، دیگر لازم به گفتن نیست که ایران در اوضاع کنونی، چه وضعیتی دارد. البته متأسفانه نیست اگر بخواهیم پیشرفت‌های ایران پس از انقلاب اسلامی را نادیده بگیریم. در ابتدای انقلاب، ۱۷۰ هزار

دانشجو در کشور وجود داشت، در حالی که آمار سال ۸۰ نشان می‌دهد که در مجموع بخش‌های دولتی و خصوصی کشور، یک میلیون و ششصد هزار دانشجو تحصیل می‌کنند. از سوی دیگر، در حالی که در سال‌های آغاز انقلاب، یک میلیارد دلار برای اعزام دانشجویه خارج هزینه شده است، این رقم در سال ۸۰ به ۳۰ میلیون دلار رسیده است و این نشان می‌دهد که ما در آموزش عالی - به ویژه در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری - پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم. البته این هرگز به معنای رسیدن به نقطه مطلوب در آموزش عالی نیست؛ چرا که در بسیاری از کشورهای پیشرفته، پوشش آموزش عالی نسبت به داوطلبان، ۸۵ تا ۹۰ درصد است و این رقم در ایران علیرغم پیشرفت‌هایی که صورت گرفته، ۱۸ درصد است. آن هم درست در زمانی که شعار یونسکو از «آموزش برای همه» به «آموزش عالی برای همه» تغییر یافته است. صرف حضور در دانشگاه و آموزش عالی، نمی‌تواند وضعیت علمی کشور را تغییر دهد و براساس این آمار نمی‌توان گفت که ما در حال توسعه علمی هستیم. یکی از شاخص‌های رشد و توسعه علمی در هر کشور، میزان اعتبار تحقیقات نسبت به تولید ناخالص ملی است. در کشورهای پیشرفته، ۴ تا ۵/۴ درصد از اعتبارات ملی، صرف تحقیقات می‌شود. در کشورهای در حال توسعه مثل تایلند، کره جنوبی و مالزی، این رقم حدود ۱/۷ تا ۲/۵ درصد، و در ایران ۰/۴ درصد است. این دقیقاً بدان معناست که ما بدون پشتوانه تحقیقاتی و علمی عمل می‌کنیم. کاری که استفاده ما را از امکانات و نیروی انسانی، به‌حداقل می‌رساند. نگاهی به وضعیت تولید مقاله در ایران - به عنوان یکی از شاخص‌های تولید علم، همین نتیجه را تأیید می‌کند: میانگین

تولید مقاله در دنیا به ازای هر هزار نفر، یک مقاله است؛ در حالی که در ایران به ازای هر ۱۲۰ هزار نفر، یک مقاله نوشته می‌شود. در دنیا از هر یک میلیون نفر، ۲ تا ۵ هزار نفر محقق هستند؛ در حالی که در ایران از هر یک میلیون نفر، تنها ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر محقق هستند. نیروی انسانی فرهیخته و آموزش دیده، اولین شاخص ثروت ملی در هر کشوری است. میانگین ثروت ملی جهان در منابع انسانی ۶۴ درصد است و در ایران ۲۴ درصد. این در حالی است که انسان، همواره مورد توجه دین مبین اسلام بوده است. آنچه در این سطور بیان شد، گوشه‌ای از داشته‌ها و نداشته‌های ما در عرصه توسعه علمی، امکانات و نیروی انسانی بود. به آسانی می‌توان از این وضعیت دریافت که ما دارای قابلیت‌های فراوانی هستیم؛ اما توان استفاده از آنها را نداریم، زیرا نگاهمان به این منابع، یک نگاه علمی نیست. ما زمانی می‌توانیم به جایگاه واقعی خود دست یابیم که در تمامی زمینه‌ها اعم از صنعت، کشاورزی، خدمات، فرهنگ، سیاست و... نگاهی علمی و کارشناسانه داشته باشیم و این محقق نمی‌شود مگر با توسعه علمی، و توسعه علمی نیز میسر نخواهد شد مگر با تغییر نظام سنجش و ساماندهی آموزش عالی کشور. به دیگر سخن؛ تا جامعه دانشگاهی ما تکانی به خود ندهد، هرگونه سخن از پیشرفت، توسعه، تعالی و ترقی سخن به گراف و حرکت به بیراهه خواهد بود. امید آنکه با تلاش این قشر همیشه هوشیار، اهداف بلند جمهوری اسلامی و بند بند چشم انداز بیست ساله محقق شود و در سایه «داناتی و توانایی»، ایران به دوران طلایی خویش برسد.